



کیفیت ارتباط کلامی معلمان؛ بررسی تأثیر آن بر مشارکت فعال و یادگیری اثربخش دانش آموزان

فاطمه محمودی، فرزانه محمودی تقی آبادی

کارشناسی آموزش ابتدایی

کاردانی آموزش ابتدایی



MDOI-02-2026.0171
MNR-185-2-2E0C96

چکیده

کیفیت ارتباط کلامی معلمان یکی از مهم ترین مؤلفه های مؤثر بر اثربخشی فرایند آموزش و یادگیری و از ارکان اساسی تعاملات آموزشی در کلاس درس به شمار می آید. ارتباط کلامی اثربخش، فراتر از انتقال صرف اطلاعات، بستری برای شکل گیری تعامل سازنده، اعتماد متقابل، انگیزش تحصیلی و مشارکت فعال دانش آموزان در فعالیت های آموزشی فراهم می سازد. نحوه بیان معلم، انتخاب واژگان روشن، دقیق و متناسب با سطح درک فراگیران، لحن محترمانه و انگیزه بخش، مهارت در گوش دادن فعال، طرح پرسش های هدفمند، ارائه بازخوردهای سازنده و ایجاد فرصت برای گفت و گوی دوسویه، از مهم ترین مؤلفه هایی هستند که کیفیت ارتباط کلامی را شکل می دهند و بر کیفیت یادگیری دانش آموزان تأثیر مستقیم دارند. برخورداری معلم از مهارت های ارتباطی مناسب، موجب ایجاد احساس امنیت روانی، افزایش اعتماد به نفس، کاهش اضطراب، تقویت انگیزه درونی و شکل گیری فضای یادگیری پویا و مشارکت محور در کلاس می شود. در چنین فضایی، دانش آموزان با اشتیاق بیشتری در بحث های کلاسی، پرسش و پاسخ، فعالیت های گروهی و فرایند حل مسئله مشارکت کرده و فرصت بیشتری برای بیان دیدگاه ها، تبادل اندیشه ها و پرورش مهارت های تفکر انتقادی و خلاق خواهند داشت. از سوی دیگر، ارتباط کلامی مؤثر به انتقال شفاف تر مفاهیم آموزشی، کاهش سوء برداشت ها، افزایش تمرکز و توجه، بهبود درک مفاهیم، یادداری بلندمدت و توانایی به کارگیری آموخته ها در موقعیت های گوناگون منجر می شود. همچنین، این نوع ارتباط با تقویت روابط عاطفی و آموزشی میان معلم و دانش آموز، زمینه ارتقای کیفیت تعاملات کلاسی، افزایش رضایت از محیط یادگیری، بهبود عملکرد تحصیلی و تحقق یادگیری عمیق، معنادار و پایدار را فراهم می آورد.

کلمات کلیدی: ارتباط کلامی معلم، مشارکت فعال، یادگیری اثربخش، تعامل کلاسی، انگیزش تحصیلی، بازخورد آموزشی

کیفیت ارتباط کلامی معلمان از مهم ترین مؤلفه های اثرگذار بر فرایند یاددهی-یادگیری است و می تواند نقش تعیین کننده ای در افزایش مشارکت فعال و یادگیری اثربخش دانش آموزان ایفا کند. آموزش در نگاه امروزی، صرفاً انتقال محتوا از معلم به دانش آموز نیست، بلکه فرایندی تعاملی، انسانی و مبتنی بر گفت و گو است که در آن، زبان و کلام معلم به عنوان ابزار اصلی برقراری ارتباط، زمینه ساز درگیری ذهنی، عاطفی و رفتاری دانش آموزان با محتوای آموزشی می شود. یافته های پژوهش لاری و همکاران (۱۳۹۸) نشان می دهد که معلمان، ارتباط مؤثر معلم-دانش آموز را یکی از پایه های اصلی موفقیت آموزشی می دانند؛ زیرا چنین ارتباطی نه تنها انتقال مفاهیم را تسهیل می کند، بلکه اعتماد، احترام و انگیزه را نیز در فضای کلاس تقویت می سازد. از این منظر، کلام معلم تنها وسیله توضیح درس نیست، بلکه عاملی برای شکل گیری فضای روانی مثبت، تحریک کنجکاوی و فعال سازی ظرفیت های یادگیری دانش آموزان است. همچنین، نتایج پژوهش اقدسی و همکاران (۱۳۹۲) نشان می دهد که در کلاس های موفق، تعامل معلم و دانش آموز از کیفیت بالاتری برخوردار است و این تعامل مثبت، یکی از ویژگی های اساسی مدارس موفق به شمار می آید. در چنین کلاس هایی، معلم با زبانی روشن، محترمانه و حمایت گر با دانش آموزان سخن می گوید و همین امر موجب می شود دانش آموزان احساس امنیت روانی بیشتری داشته باشند و با اطمینان بیشتری در فرایند آموزش مشارکت کنند. از سوی دیگر، ارتباط کلامی مناسب معلم با دانش آموزان با ایجاد جو روانی-اجتماعی مطلوب در کلاس همراه است؛ موضوعی که حسین چاری و خیر (۱۳۹۲) نیز در بررسی خود از آن به عنوان یکی از مؤلفه های فرهنگ مدرسه یاد کرده اند. در واقع، هرچه زبان معلم انسانی تر، دقیق تر و انگیزاننده تر باشد، زمینه برای تعامل، پرسشگری و یادگیری پایدار بیشتر فراهم می شود. افزون بر این، شریفی نیا و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه کیفی خود درباره ویژگی های استاد خوب، بر اهمیت مؤلفه های اخلاقی و ارتباطی تأکید کرده اند و نشان داده اند که از نگاه فراگیران، معلم خوب کسی است که بتواند با کلامی اثرگذار، فضایی امن و اعتمادآفرین برای یادگیری ایجاد کند. بنابراین، کیفیت ارتباط کلامی معلمان را باید یکی از ستون های اساسی موفقیت آموزشی دانست؛ ستونی که هم بر مشارکت فعال دانش آموزان اثر می گذارد و هم بر عمق و ماندگاری یادگیری آنان.



با وجود تأکید نظری فراوان بر اهمیت ارتباط مؤثر در آموزش، در عمل همچنان در بسیاری از کلاس های درس، الگوی ارتباطی معلم به شکل یک سویه، دستوری و کم تعامل باقی مانده است؛ الگویی که در آن، دانش آموز بیشتر شنونده ای منفعل است تا عضوی فعال در فرایند یادگیری. این وضعیت باعث می شود که بسیاری از فرصت های آموزشی برای طرح پرسش، گفت و گو، تحلیل، استدلال و مشارکت جمعی از بین برود و یادگیری به حفظ کردن سطحی مطالب محدود شود. مسئله اصلی این است که چرا با وجود آگاهی از نقش مهم ارتباط کلامی در آموزش، هنوز در بسیاری از موقعیت های کلاسی، کیفیت این ارتباط در سطح مطلوب قرار ندارد و چگونه این ضعف ارتباطی بر مشارکت فعال و یادگیری اثربخش دانش آموزان تأثیر می گذارد. پژوهش اقدسی و همکاران (۱۳۹۲) نشان می دهد که مدارس موفق و ناموفق از نظر کیفیت تعامل معلم-دانش آموز تفاوت معناداری دارند؛ به این معنا که کیفیت رابطه و شیوه گفتار معلم می تواند به طور مستقیم در موفقیت یا ناکامی آموزشی نقش داشته باشد. در کلاس هایی که ارتباط کلامی معلم خشک، آمرانه یا فاقد احترام متقابل است، دانش آموزان معمولاً از مشارکت داوطلبانه پرهیز می کنند، احساس تعلق کمتری به کلاس دارند و در نتیجه، یادگیری آنان سطحی و غیر پایدار می شود. حسین چاری و خیر (۱۳۹۲) نیز با تأکید بر جو روانی-اجتماعی کلاس، روشن می سازند که فضای عاطفی و ارتباطی کلاس درس از مهم ترین عوامل اثرگذار بر رفتار یادگیری دانش آموزان است. اگر این فضا بر پایه تعامل مثبت و گفت و گوی سازنده شکل نگیرد، نه تنها انگیزه تحصیلی کاهش می یابد، بلکه امکان بروز خلاقیت، پرسشگری و یادگیری عمیق نیز تضعیف می شود. این مسئله در رویکردهای نوین آموزشی، به ویژه یادگیری مبتنی بر مسئله، اهمیت بیشتری پیدا می کند؛ زیرا این رویکردها ذاتاً به مشارکت، تبادل نظر و هدایت کلامی مؤثر نیاز دارند. جان آبادی و جان آبادی (۱۴۰۲) در تحلیل مزایای تعامل معلم و دانش آموزان در آموزش مبتنی بر مسئله نشان می دهند که موفقیت این شیوه، وابسته به کیفیت ارتباط و گفت و گوی آموزشی است. همچنین نادری نیاریک و همکاران (۱۴۰۰) و شرقی مقوسانی و همکاران (۱۴۰۰) بر این نکته تأکید کرده اند که یادگیری مسئله محور بدون هدایت مناسب معلم و بدون ایجاد فضای ارتباطی مؤثر، با چالش هایی جدی مواجه می شود. از سوی دیگر، شیری آذر و همکاران (۱۴۰۰) نشان می دهند که اگرچه روش حل مسئله مزایای آموزشی قابل توجهی دارد، اما ضعف در هدایت گفت و گو و ارتباط کلامی می تواند موجب سردرگمی یا کاهش اثربخشی آن شود. در همین راستا، صفایی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) با تأکید بر مبانی اخلاق اسلامی، یادآور می شوند که ارتباط معلم با دانش آموز باید بر پایه کرامت انسانی، احترام و مسئولیت پذیری استوار باشد؛ زیرا هرگونه کلام نادرست، تحقیرآمیز یا بی توجه به شأن دانش آموز، می تواند به رابطه آموزشی آسیب بزند و مانع شکل گیری

اعتماد شود. بنابراین، مسئله اساسی این پژوهش آن است که کیفیت ارتباط کلامی معلمان چگونه می تواند به افزایش مشارکت فعال و یادگیری اثربخش دانش آموزان منجر شود و چه ویژگی هایی در این ارتباط سبب می شود کلاس درس به محیطی پویا، امن و یادگیرنده محور تبدیل گردد. بررسی این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که بدون توجه به بعد ارتباطی آموزش، هرگونه تلاش برای ارتقای کیفیت یادگیری ناقص خواهد ماند و آموزش همچنان در سطحی محدود و غیر تعاملی باقی خواهد ماند.

ضرورت و اهمیت تحقیق

کاربرد یافته های کیفیت ارتباط کلامی معلمان یکی از عوامل مهم و اثرگذار در فرایند آموزش و یادگیری از جهات زیر دارای اهمیت است :

۱. بررسی کیفیت ارتباط کلامی معلمان و نقش آن در افزایش مشارکت فعال و یادگیری اثربخش دانش آموزان، از منظر تربیتی واجد اهمیتی بنیادین است؛ زیرا تعلیم و تربیت اساساً فرایندی ارتباطی، تعاملی و مبتنی بر شکل گیری روابط انسانی در بستر کلاس درس است. معلم تنها انتقال دهنده دانش نیست، بلکه کنشگری تربیتی است که از طریق زبان، لحن، شیوه خطاب و نوع بازخورد خود، ارزش ها، هنجارها، شیوه های تعامل و الگوهای رفتاری را نیز به دانش آموز منتقل می کند. از این رو، کیفیت ارتباط کلامی معلم، فقط در سطح آموزش محتوای درسی باقی نمی ماند، بلکه در فرایند اجتماعی شدن، درونی سازی ارزش ها، تقویت احترام متقابل و شکل گیری هویت دانش آموز نیز اثر می گذارد. هنگامی که معلم با بیانی محترمانه، روشن و حمایت گر با دانش آموزان سخن می گوید، در عمل الگویی از رفتار تربیتی مطلوب را ارائه می دهد؛ الگویی که می تواند در رشد مسئولیت پذیری، تقویت روحیه همکاری، افزایش احساس تعلق به کلاس و پذیرش قواعد گفت و گوی سالم نقش داشته باشد. در مقابل، ضعف در ارتباط کلامی، استفاده از لحن آمرانه، تحقیرآمیز یا بی اعتنا، نه تنها از کیفیت آموزش می کاهد، بلکه ممکن است به بازتولید الگوهای نامطلوب تربیتی و تضعیف رابطه معلم و دانش آموز بینجامد. از این منظر، ضرورت



بررسی این موضوع در آن است که هرگونه اصلاح و بهبود در نظام تعلیم و تربیت، بدون شناخت جایگاه زبان و ارتباط در فرایند تربیت، ناقص خواهد بود.

۲. از بعد شناختی نیز این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا بخش قابل توجهی از یادگیری مدرسه‌ای در بستر زبان و از طریق تعاملات کلامی شکل می‌گیرد. توضیح مفاهیم، طرح سؤال، هدایت بحث، بازخورددهی، روشن‌سازی ابهام‌ها و تسهیل تفکر، همگی وابسته به کیفیت ارتباط کلامی معلم‌اند. یادگیری زمانی اثربخش می‌شود که دانش‌آموز نه فقط شنونده مطالب، بلکه مشارکت‌کننده در ساخت معنا باشد و این مشارکت بدون گفت‌وگو و ارتباط کلامی مؤثر ممکن نیست. هرچه معلم در بیان مفاهیم از وضوح، انسجام، تناسب و انعطاف بیشتری برخوردار باشد، احتمال درک عمیق‌تر مفاهیم، تثبیت یادگیری و انتقال آموخته‌ها به موقعیت‌های جدید افزایش می‌یابد. همچنین، در رویکردهایی مانند یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری فعال و آموزش مبتنی بر پرسش، نقش ارتباط کلامی حتی برجسته‌تر می‌شود؛ زیرا در این رویکردها، تفکر انتقادی، استدلال، تحلیل، اظهارنظر و حل مسئله، همگی در بستر تعامل زبانی رشد می‌کنند. در واقع، کیفیت ارتباط کلامی معلم می‌تواند تعیین کند که آیا کلاس به فضایی برای حفظ کردن منفعلانه مطالب تبدیل شود یا به محیطی برای اندیشیدن، استدلال‌ورزی و تولید معنا. از این‌رو، بررسی این موضوع از منظر شناختی ضرورت دارد، زیرا افت یا ارتقای کیفیت یادگیری، در بسیاری موارد، بیش از آنکه به دشواری محتوا مربوط باشد، به چگونگی سازمان‌دهی و انتقال آن در قالب تعامل کلامی وابسته است.

۳. از منظر روانی، اهمیت این موضوع به تأثیر مستقیم ارتباط کلامی معلم بر احساس امنیت، انگیزش، اعتماد به نفس و سلامت هیجانی دانش‌آموزان بازمی‌گردد. کلاس درس تنها فضایی برای آموزش رسمی نیست، بلکه محیطی روانی و عاطفی نیز هست که دانش‌آموز بخش مهمی از تجربه روزانه خود را در آن می‌گذراند. در چنین فضایی، نوع کلام معلم می‌تواند یا احساس ارزشمندی، آرامش و تعلق را در دانش‌آموز تقویت کند، یا اضطراب، ترس، سکوت و انفعال را در او برانگیزد. دانش‌آموزی که احساس کند در کلاس شنیده می‌شود، مورد احترام است و اشتباه او با سرزنش یا تحقیر پاسخ داده نمی‌شود، با اطمینان بیشتری در بحث‌ها شرکت می‌کند، پرسش می‌پرسد و توانایی‌های خود را بروز می‌دهد. برعکس، در محیطی که ارتباط کلامی معلم تنش‌زا، تهدیدکننده یا تحقیرآمیز باشد، دانش‌آموز ممکن است به تدریج از مشارکت کناره‌گیری کند، اضطراب عملکرد را تجربه کند و حتی نگرشی منفی نسبت به یادگیری و مدرسه پیدا کند. در نتیجه، کیفیت ارتباط کلامی



معلم نه تنها بر عملکرد تحصیلی، بلکه بر بهداشت روانی، عزت نفس و انگیزه پیشرفت دانش آموز نیز اثرگذار است. اهمیت بررسی این بعد در آن است که بسیاری از ناکامی های آموزشی، ریشه ای صرفاً آموزشی ندارند، بلکه از تجربه های روانی نامطلوب در کلاس ناشی می شوند. بنابراین، توجه به بعد روانی ارتباط کلامی معلمان، بخشی ضروری از هر تلاش علمی برای بهبود کیفیت آموزش و ارتقای مشارکت فعال دانش آموزان است.

در مجموع، ضرورت بررسی موضوع کیفیت ارتباط کلامی معلمان را باید در پیوند عمیق آن با سه ساحت اساسی رشد دانش آموز، یعنی ساحت تربیتی، شناختی و روانی جست و جو کرد. این موضوع از یک سو به شکل گیری شخصیت، روابط انسانی و الگوهای رفتاری دانش آموز مربوط می شود، از سوی دیگر بر فرایند فهم، تفکر و یادگیری اثر می گذارد و هم زمان با احساس امنیت، انگیزش و تعادل روانی او نیز پیوند دارد. به همین دلیل، پرداختن به این موضوع نه یک انتخاب فرعی، بلکه ضرورتی اساسی برای فهم دقیق تر کیفیت آموزش در مدرسه و طراحی مداخلات مؤثر در بهبود آن است.

روش شناسی

این پژوهش از منظر هدف، توسعه ای-کاربردی و از منظر روش، یک مطالعه کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده های مورد نیاز از طریق مرور نظام مند اسناد و متون معتبر گردآوری و تحلیل شده اند.

- قلمرو پژوهش: کلیه مقالات علمی-پژوهشی، کتب مرجع دانشگاهی و پایان نامه های دکتری و ارشد مرتبط با موضوعات تاثیر ارتباط معلم بر انگیزه تحصیلی و تقویت مشارکت فعال است.
- پایگاه های اطلاعاتی: برای جستجوی منابع از پایگاه های معتبر داخلی شامل پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، مگیران (Magiran)، نورمگز (Noormags) و پرتال جامع علوم انسانی استفاده شد.
- بازه زمانی: منابع منتشر شده بین سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۲ شمسی ملاک انتخاب قرار گرفتند.



- کلیدواژه های جستجو: ارتباط کلامی معلم، مشارکت فعال، یادگیری اثربخش، تعامل کلاسی، انگیزش تحصیلی، بازخورد آموزشی

- پس از غربالگری اولیه ۱۰ منبع کلیدی و اصلی که به صورت عمیق به ابعاد مختلف موضوع پرداخته بودند، انتخاب و محتوای آن ها با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون، طبقه بندی و ترکیب گردید.

پیشینه پژوهش

سیف (۱۳۹۸) تعامل معلم- دانش آموز را یکی از بنیادی ترین عناصر روان شناختی محیط یادگیری می داند که به طور مستقیم بر انگیزش تحصیلی و نگرش دانش آموزان نسبت به یادگیری اثر می گذارد. به اعتقاد وی، تعاملات مثبت آموزشی که بر پایه احترام متقابل، بازخورد سازنده و حمایت عاطفی شکل می گیرند، موجب افزایش انگیزش درونی و علاقه به فعالیت های یادگیری می شوند. سیف تأکید می کند که انگیزش تحصیلی تنها حاصل ویژگی های فردی دانش آموز نیست، بلکه کیفیت روابط آموزشی و جو روانی کلاس نقش تعیین کننده ای در شکل گیری آن دارد. این دیدگاه، تعامل معلم-دانش آموز را به عنوان یک متغیر کلیدی در تبیین کیفیت یادگیری و مشارکت فعال دانش آموزان معرفی می کند. فراهانی و شریفی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «رابطه حمایت عاطفی معلم با انگیزش و مشارکت تحصیلی دانش آموزان» نشان دادند که حمایت عاطفی معلم، از طریق ایجاد احساس امنیت روانی و تعلق خاطر، نقش مهمی در افزایش مشارکت شناختی و رفتاری دانش آموزان دارد. یافته های این مطالعه حاکی از آن است که دانش آموزانی که تعامل گرم و حمایت گرانه ای را از سوی معلم تجربه می کنند، سطح بالاتری از انگیزش تحصیلی، مسئولیت پذیری آموزشی و مشارکت فعال در کلاس دارند. این پژوهش تعامل معلم-دانش آموز را عاملی تسهیل کننده در رشد هیجانی و تحصیلی یادگیرندگان معرفی می کند.

حسینی و قاسمی (۱۳۹۹) در مطالعه ای با عنوان «بررسی سبک های ارتباطی معلمان و تأثیر آن بر انگیزش تحصیلی دانش آموزان» به این نتیجه رسیدند که سبک ارتباطی دموکراتیک و مشارکت محور معلمان، بیشترین تأثیر مثبت را بر انگیزش درونی و مشارکت فعال دانش آموزان دارد. در مقابل، سبک های اقتدارگرایانه و کنترل محور باعث کاهش احساس خودمختاری و افت مشارکت یادگیرندگان



می‌شود. این پژوهش نشان می‌دهد که تعامل معلم-دانش‌آموز نه تنها یک رابطه آموزشی، بلکه یک فرآیند روان‌شناختی پیچیده است که می‌تواند مسیر یادگیری و انگیزش تحصیلی را شکل دهد یا تضعیف کند. محمدی (۱۴۰۰) در کتاب «جو کلاس درس و یادگیری» تأکید می‌کند که تعاملات معلم-دانش‌آموز نقش محوری در شکل‌گیری جو روانی کلاس دارند. به باور وی، جو کلاس که در آن ارتباطات مثبت، احترام متقابل و مشارکت فعال وجود دارد، زمینه‌ساز افزایش انگیزش تحصیلی و مشارکت یادگیرندگان می‌شود. نتایج پژوهش‌های ارائه‌شده در این اثر نشان می‌دهد که جو روانی کلاس به عنوان یک متغیر میانجی، تأثیر تعامل معلم-دانش‌آموز بر کیفیت یادگیری را تقویت می‌کند. کریمی و رضایی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقش تعامل آموزشی در پیش‌بینی خودکارآمدی و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان» نشان دادند که تعامل مؤثر معلم-دانش‌آموز به افزایش خودکارآمدی تحصیلی منجر می‌شود. خودکارآمدی بالا نیز به نوبه خود، انگیزش تحصیلی و مشارکت فعال دانش‌آموزان را تقویت می‌کند. این پژوهش تعامل آموزشی را به عنوان عاملی غیرمستقیم اما تأثیرگذار بر مشارکت یادگیرندگان معرفی می‌کند که از طریق سازه‌های روان‌شناختی واسطه عمل می‌نماید.

رحمانی و اکبری (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه تعامل معلم-دانش‌آموز با بی‌انگیزگی تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه» به بررسی پیامدهای منفی تعاملات ضعیف آموزشی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تعاملات سرد، غیرحمایتی و مبتنی بر تنبیه، احتمال بروز بی‌انگیزگی تحصیلی و کاهش مشارکت دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. در مقابل، تعاملات مثبت و حمایتی می‌تواند نقش محافظتی در برابر افت انگیزش و کناره‌گیری تحصیلی ایفا کند. این یافته‌ها بر اهمیت توجه به ابعاد روان‌شناختی تعاملات آموزشی در سیاست‌گذاری‌های تربیتی تأکید دارند. مرور پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که تعامل معلم-دانش‌آموز یکی از مهم‌ترین عوامل روان‌شناختی مؤثر بر انگیزش تحصیلی و مشارکت یادگیرندگان است. این تعامل از طریق مؤلفه‌هایی نظیر حمایت عاطفی، سبک ارتباطی معلم، جو روانی کلاس و تقویت خودکارآمدی تحصیلی، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت یادگیری ایفا می‌کند. نتایج این مطالعات ضرورت توجه نظام آموزش و پرورش به تقویت مهارت‌های ارتباطی و روان‌شناختی معلمان را به عنوان راهبردی مؤثر برای ارتقای انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان نشان می‌دهد.

برای غلبه بر موانع ارتباطی و بهبود کیفیت ارتباط بین معلم و دانش آموز، راه حل های متعددی وجود دارد. اولین راه حل، آموزش معلمان در زمینه مهارت های ارتباطی و فرهنگی است. معلمان باید با تکنیک های مختلف ارتباطی آشنا شوند و یاد بگیرند که چگونه با دانش آموزانی از پس زمینه های مختلف فرهنگی و اجتماعی به خوبی ارتباط برقرار کنند. این آموزش ها می تواند شامل کارگاه های آموزشی، سمینارها و دوره های آنلاین باشد. دیگر راه حل، ایجاد محیطی حمایتی و امن در کلاس درس است. معلمان باید تلاش کنند تا فضایی ایجاد کنند که در آن دانش آموزان احساس راحتی و امنیت کنند و بتوانند بدون ترس از قضاوت یا تنبیه، نظرات و مشکلات خود را بیان کنند.

مهارت ارتباط موثر به چه معناست

مهارت ارتباط موثر به افراد کمک می کند که فرآیند تبادل اطلاعات، احساسات و افکار به صورت کامل انجام شود و دریافت کننده اطلاعات به صورت کامل منظور و مفهوم آن را متوجه شده و درک کند. فردی که می خواهد مهارت ارتباط موثری با دیگران داشته باشد، در مرحله اول باید در مهارت خود آگاهی تبحر پیدا کند؛ زیرا کسی که خود را به خوبی نمی شناسد، توانایی انتقال آنچه در افکار خود می گذرد را ندارد. مرحله بعدی برای داشتن مهارت ارتباط موثر این است که فرد از مهارت همدلی نیز تا حد زیادی برخوردار باشد، چرا که یک انتقال دهنده اطلاعات به احساسات و درک فرد مخاطب خود بسیار اهمیت می دهد. شخصی که در مهارت ارتباط موثر تبحر دارد دارای ویژگی ها رفتاری خاصی است که در این بخش به برخی از آنها اشاره می کنیم:

- خود را به خوبی می شناسد و با خود در صلح درونی به سر می برد.
- خود و دیگران را همان گونه که هستند می پذیرد و تصمیم به تغییر و اصلاح آنها ندارد.
- اراده و انگیزه زیادی جهت انجام کارها و وظایف خود دارد.
- در تصمیم گیری مهارت زیادی دارد و به راحتی تصمیمات خود را عملی می کند.
- به راحتی با افراد جدید ارتباط می گیرد و فرد بسیار اجتماعی و خوش مشربی است.

چگونه مهارت ارتباط موثر را در دانش آموزان تقویت کنیم؟



یکی از مهم ترین بخش هر ارتباط موثر رمزگشایی اطلاعات و افکار انتقال یافته است. فردی که از مهارت ارتباط موثر به خوبی بهره مند است، می داند که برای داشتن یک ارتباط عالی با مخاطب خود باید او را به خوبی بشناسد و از احساسات او با خبر باشد. لازم به ذکر است که مهارت ارتباط موثر تنها معطوف به فرد ارسال کننده پیام نیست و برای داشتن ارتباط موثر نیاز است که فرد گیرنده نیز تا حدی مخاطب خود را بشناسد و از احساسات او باخبر باشد. گوش دادن به صحبت های رد و بدل شده می تواند در این روند به هر دو طرف ارتباط کمک کند.

از مهم ترین روش های تقویت مهارت ارتباط موثر می توان به موارد زیر اشاره کرد:

شناخت مخاطب: همان طور که پیش تر اشاره کردیم شناخت مخاطب عامل مهمی در برقراری ارتباط به شمار می رود. اما شاید از خود پرسید که چه ویژگی هایی از مخاطب بیشترین اطلاعات را در این باره به شما خواهد داد؟ سن، جنسیت، سبک زندگی، مذهب، سطح تحصیلات و سطح فرهنگ از مهم ترین مواردی است که می تواند شما را در شناخت نسبی مخاطب خود یاری کند.

آشنایی با زبان بدن: زبان بدن به افراد کمک می کند تا افکار و منظور خود را با استفاده از حرکات بدن خود بهتر به فرد مقابل برسانند. حرکت ابروها، حالت چهره، حرکت انگشتان، نحوه راه رفتن، شیوه نگاه کردن، تکان دادن سر و... از مواردی هستند که در برقراری ارتباط بسیار موثر هستند و در صورتی که به صورت آگاهانه و درست از آنها استفاده شود می توان مهارت ارتباط موثر را تقویت کرد.

آموزش زبان بدن به دانش آموز و صحبت درباره پیامی که به صورت ناخودآگاه به مخاطب می رساند می تواند دانش آموزان را در داشتن ارتباط بهتر یاری کند. گوش کردن فعالانه: گوش دادن به صحبت های مخاطب با تمام تمرکز و توجه، قطع نکردن صحبت مخاطب، داشتن چهره ای مشتاق و بدون کسلی و سوال کردن درباره صحبت های مخاطب بخش مهمی از گوش دادن فعالانه است.

سعی کنید در هنگام برقراری ارتباط به صورت صبورانه به تمام حرف های مخاطب خود گوش دهید و نظر خود را عاری از هرگونه قضاوت و جبهه گیری بیان کنید.

بیشتر در جمع صحبت کنید: بزرگان همیشه می گویند که کار نیکو کردن از پر کردن است. پس اگر دوست دارید مهارت ارتباط موثر را در خود یا دانش آموزان تقویت کنید از تاثیر بیشتر صحبت کردن در جمع و افراد جدید غافل نشوید. آشنایی با افراد جدید و برقراری ارتباط بلند یا کوتاه مدت باعث کسب تجربه در شناخت و درک احساسات مخاطب می شود و در نهایت موجب افزایش



مهارت ارتباط موثر در دانش آموزان می کند. الگوبرداری از افراد موفق: سعی کنید از افرادی که در برقراری ارتباط موثر عالی عمل می کنند الگو بگیرید. نحوه صحبت کردن، زبان بدن، تن صدا، نحوه کنترل احساسات و درک متقابل از مهم ترین چیزهایی است که می توانید از دیگران جهت افزایش مهارت ارتباط موثر در خود الگو بگیرید. صحبت کردن به صورت محترمانه و مودبانه از مهم ترین مولفه های داشتن ارتباطی موثر است. هیچ کس از صحبت کردن با فردی که حد و حدود خود را نمی داند و از کلمات جهت رساندن منظور خود استفاده می کند لذت نمی برد. لذا سعی کنید که در ارتباطات خود در عین داشتن لحن دوستانه، از کلمات زیبا و محترمانه ای استفاده کنید. سوء تفاهم که در اثر عدم مهارت ارتباط موثر اتفاق می افتد، می تواند باعث رنجش و دلخوری در افراد شود. لذا بهتر است منظور خود را در عین خلاصه گویی به صورت روشن به فرد مقابل انتقال دهید و در صورت بروز هرگونه سوء تفاهم به رفع فوری آن اقدام کنید. عذرخواهی کردن، قبول کردن اشتباه خود و صحبت کردن درباره ناراحتی پیش آمده از مهم ترین عواملی است که می تواند شما را در این مسیر کمک کند.

راهکارهای تعامل معلم و دانش آموز در کاهش شکاف تحصیلی

تعامل معلم و دانش آموزان در رویکرد آموزش مبتنی بر مسئله می تواند از طریق استفاده از راهکارهای مختلف تقویت یابد. در زیر، تعدادی از راهکارهای موثر برای تعامل بهتر معلم و دانش آموزان در این رویکرد آموزشی آورده شده است: طراحی وظایف مسئله محور: تعامل معلم و دانش آموزان بهتر از همه زمانی می تواند رخ دهد که وظایف و مسائل آموزشی به گونه ای طراحی شوند که دانش آموزان را به فعالیت های تفکری و عملی وادار کنند. وظایف باید چالشی باشند و با دنیای واقعی مرتبط باشند تا افراد متعلق به حل مسئله و یادگیری شوند (جوکار و همکاران، ۱۴۰۲). استفاده از روش های تدریس فعال: از روش های تدریس مانند گفت و گوهایی گروهی، پروژه های گروهی، و اجرای نمونه های عملی برای آموزش استفاده کنید. این روش ها باعث تشویق تعامل و همکاری بین دانش آموزان و معلم می شوند (شرقی مقوسانی و همکاران، ۱۴۰۰). تشویق به سوالات و اندیشیدن کنجکاو: تعامل به خوبی از طریق تشویق دانش آموزان به طرح سوالات، اندیشیدن کنجکاو، و ارائه ایده های خود امکان پذیر است.

معلم باید بر انگیزه دانش آموزان برای اندیشیدن عمیق و حل مسائل تأکید کند. ارائه بازخورد فوری: بازخورد فوری به دانش آموزان به عنوان یک جزء اساسی از تعامل معلم- دانش آموز کمک می کند. این بازخورد میتواند نقاط قوت، نکات بهبود، و راهکارهای پیشنهادی را شامل شود و به دانش آموزان کمک کند تا در یادگیری خود پیشرفت کنند. تشویق به مشارکت فعال: معلم باید دانش



آموزان را تشویق کند تا در فعالیت های کلاسی مشارکت فعال داشته باشند. این مشارکت می تواند از طریق گفتگوها، ارائه ها، و حل مسائل عملی صورت گیرد. ایجاد محیط آموزشی حمایت کننده: محیط کلاس باید فراهمی باشد که دانش آموزان احساس کنند می توانند بدون ترس از اشتباه کردن، سوال کردن، و نظر ارائه دادن، در فعالیت ها شرکت کنند (شرقیقوسانی و همکاران، ۱۴۰۰) استفاده از فناوری آموزشی: فناوری می تواند یک ابزار قدرتمند برای تعامل معلم و دانش آموزان باشد. از پلتفرم های آموزشی آنلاین، ابزارهای همکاری مجازی، و منابع دیجیتال برای تحریک تعامل و یادگیری بهتر استفاده کنید. تشویق به تفکر چندزبانه: تشویق دانش آموزان به استفاده از مهارت ها و توانایی های مختلف خود در حل مسائل. این اجازه را به آنها بدهید که از چندین زبانه یا راهبرد متفاوت برای حل مسائل استفاده کنند (جوادنیاریک و همکاران، ۱۴۰۰) این راهکارها، اگر با دقت و تعقل اجرا شوند، می توانند به بهبود تعامل معلم و دانش آموزان در رویکرد آموزش مبتنی بر مسئله کمک کنند و فرآیند یادگیری را بهبود بخشند.

نقش تعامل معلم - دانش آموز بر رشد تحصیلی از نگاه روانشناختی

مطالعه اقدسی و همکاران (۱۳۹۲) با مقایسه مدارس موفق و ناموفق نشان می دهد که تفاوت اصلی این مدارس نه صرفاً در امکانات، بلکه در نوع تعامل روانی و ارتباطی معلمان با دانش آموزان نهفته است. در مدارس موفق، تعاملات معلم - دانش آموز مبتنی بر حمایت، احترام و بازخورد سازنده است؛ عاملی که از نظر روان شناختی باعث افزایش انگیزش تحصیلی، احساس شایستگی و اعتماد به توانایی های فردی دانش آموزان می شود. این احساس شایستگی یا خودکارآمدی، یکی از مهم ترین متغیرهای روان شناختی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی به شمار می رود. در ادامه، پژوهش های مرتبط با یادگیری مبتنی بر مسئله (جان آبادی و جان آبادی، ۱۴۰۲؛ جوکار و همکاران، ۱۴۰۲؛ می آبادی، ۱۴۰۱؛ نادری نیاریک و همکاران، ۱۴۰۰) نشان می دهند که این رویکرد آموزشی تنها زمانی منجر به رشد تحصیلی می شود که تعامل معلم - دانش آموز ماهیتی روان شناختی و تسهیل گر داشته باشد. در چنین شرایطی، معلم به جای نقش آمرانه، نقش راهنما و حمایت کننده را ایفا می کند و این امر موجب کاهش اضطراب یادگیری، افزایش مشارکت شناختی و تقویت انگیزش درونی دانش آموزان می شود. از دیدگاه روان شناختی، تعامل حمایتی معلم، نیازهای اساسی یادگیرنده یعنی «احساس امنیت»، «احساس تعلق» و «احساس کفایت» را ارضا می کند و همین ارضای نیازهاست که یادگیری عمیق و پایدار را امکان پذیر می سازد.

یافته های حسین چاری و خیر (۱۳۹۲) نیز این موضوع را در قالب مفهوم جو روانی - اجتماعی کلاس توضیح می دهد. آن ها نشان می دهند که تعامل مثبت معلم - دانش آموز، هسته اصلی شکل گیری جو روانی سالم در کلاس درس است. چنین جوی از نظر



روان‌شناختی باعث کاهش ترس از شکست، افزایش جرئت‌مندی تحصیلی و تمایل به تلاش مستمر می‌شود. دانش‌آموزی که در کلاس احساس امنیت روانی می‌کند، خطا را بخشی از یادگیری می‌داند و با آرامش بیشتری وارد فعالیت‌های شناختی پیچیده می‌شود؛ موضوعی که مستقیماً بر رشد تحصیلی اثرگذار است. از سوی دیگر، پژوهش‌های کیفی درباره ویژگی‌های معلم خوب (شریفی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱؛ لاری و همکاران، ۱۳۹۸) نشان می‌دهد که از نگاه معلمان و دانش‌آموزان، «ارتباط انسانی، همدلانه و عادلانه» مهم‌ترین ویژگی روان‌شناختی معلم مؤثر است. این نوع تعامل باعث تقویت خودپنداره تحصیلی مثبت در دانش‌آموز می‌شود؛ یعنی دانش‌آموز خود را فردی توانمند برای یادگیری می‌بیند و همین برداشت ذهنی، پیش‌بینی‌کننده قوی عملکرد تحصیلی آینده اوست.

در عین حال، مطالعاتی که به چالش‌ها و محدودیت‌های یادگیری مسئله‌محور پرداخته‌اند (شرقی‌مقوسانی و همکاران، ۱۴۰۰؛ شیری‌آذر و همکاران، ۱۴۰۰) تأکید می‌کنند که ضعف در تعامل معلم دانش‌آموز می‌تواند پیامدهای روان‌شناختی منفی مانند سردرگمی، کاهش انگیزه و افت عملکرد تحصیلی ایجاد کند. این یافته‌ها به‌طور غیرمستقیم نشان می‌دهد که تعامل مؤثر، شرط روان‌شناختی لازم برای موفقیت تحصیلی در روش‌های نوین آموزشی است. در نهایت، صفایی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۵) با تأکید بر مبانی اخلاق اسلامی در ارتباط معلم با دانش‌آموز، تعامل اخلاق‌مدار را عاملی برای آرامش روانی، اعتماد متقابل و تقویت انگیزش درونی می‌دانند. این آرامش روانی، بستر ذهنی لازم برای تمرکز، پردازش اطلاعات و پیشرفت تحصیلی را فراهم می‌کند. در جمع‌بندی می‌توان گفت که بر اساس این منابع، تعامل معلم - دانش‌آموز از نظر روان‌شناختی از طریق افزایش خودکارآمدی، انگیزش درونی، امنیت روانی، خودپنداره تحصیلی و کاهش اضطراب آموزشی عمل می‌کند و همین سازه‌های روان‌شناختی، واسطه اصلی بین تعامل آموزشی و رشد تحصیلی دانش‌آموزان هستند. به بیان دقیق‌تر، تعامل مؤثر معلم نه مستقیماً، بلکه با تغییر وضعیت روان‌شناختی یادگیرنده، مسیر پیشرفت تحصیلی پایدار را هموار می‌سازد.

نقش ارتباط معلم و دانش‌آموز در انگیزش و مشارکت فعال در فرایند آموزش

یکی از مؤلفه‌های اساسی در کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری، نوع و کیفیت ارتباط میان معلم و دانش‌آموزان است. ارتباط مؤثر در محیط آموزشی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری انگیزش تحصیلی، افزایش علاقه به یادگیری و تقویت مشارکت فعال دانش‌آموزان در فعالیت‌های آموزشی باشد. در واقع، کلاس درس تنها محلی برای انتقال اطلاعات نیست، بلکه محیطی اجتماعی و تعاملی است که در آن روابط انسانی نقش مهمی در شکل‌گیری تجربه یادگیری ایفا می‌کند. در چنین فضایی، نحوه تعامل معلم با دانش‌آموزان می‌تواند



تعیین کننده میزان درگیری شناختی، عاطفی و رفتاری آنان در فرایند یادگیری باشد (اقدسی و همکاران، ۱۳۹۲). ارتباط معلم و دانش آموز از مهم ترین عوامل شکل دهنده جو آموزشی کلاس محسوب می شود. هنگامی که معلم با رویکردی مثبت، حمایت گر و تعاملی با دانش آموزان برخورد می کند، فضای کلاس به محیطی امن و انگیزاننده تبدیل می شود که در آن دانش آموزان با رغبت بیشتری در فعالیت های یادگیری شرکت می کنند. برعکس، ضعف در ارتباطات آموزشی می تواند موجب کاهش علاقه به یادگیری، افت مشارکت و حتی شکل گیری نگرش منفی نسبت به مدرسه شود. پژوهش اقدسی و همکاران (۱۳۹۲) نشان می دهد که در مدارس موفق، تعامل سازنده میان معلم و دانش آموز یکی از شاخص های اصلی محیط آموزشی مطلوب است و این تعامل می تواند نقش مهمی در افزایش انگیزه و مشارکت دانش آموزان ایفا کند. از دیدگاه روان شناسی تربیتی، انگیزش تحصیلی یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر یادگیری دانش آموزان است. انگیزش به عنوان نیرویی درونی، رفتارهای یادگیری را هدایت و تقویت می کند و سبب می شود دانش آموزان با علاقه و پشتکار بیشتری در فعالیت های آموزشی شرکت کنند. یکی از مهم ترین عوامل تقویت انگیزش تحصیلی، رابطه مثبت و سازنده میان معلم و دانش آموز است. زمانی که دانش آموزان احساس کنند معلم به آنان توجه دارد، به نظراتشان احترام می گذارد و در مسیر یادگیری از آنان حمایت می کند، انگیزه بیشتری برای تلاش و پیشرفت تحصیلی پیدا می کنند (حسین چاری و خیر، ۱۳۹۲).

ارتباط مؤثر میان معلم و دانش آموز، فراتر از انتقال صرف اطلاعات و مفاهیم درسی، یکی از بنیادی ترین ارکان موفقیت نظام آموزشی و عامل تعیین کننده در کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری محسوب می شود. پژوهش های حوزه روان شناسی تربیتی و علوم آموزشی نشان می دهد که کیفیت تعاملات انسانی در کلاس درس، تأثیر مستقیمی بر انگیزش تحصیلی، احساس تعلق به مدرسه، رشد عاطفی، عملکرد آموزشی و حتی شکل گیری شخصیت دانش آموزان دارد. از این رو، معلم تنها نقش انتقال دهنده دانش را بر عهده ندارد، بلکه به عنوان راهنما، تسهیل گر، الگوی رفتاری و حامی یادگیری، نقش مهمی در ایجاد محیطی امن، پویا و انگیزه بخش ایفا می کند.

زمانی که ارتباط میان معلم و دانش آموز بر پایه احترام متقابل، اعتماد، همدلی، عدالت آموزشی و توجه به تفاوت های فردی شکل گیرد، دانش آموزان احساس ارزشمندی و امنیت روانی بیشتری خواهند داشت. چنین فضایی، زمینه را برای ابراز نظر، پرسشگری، خلاقیت، تجربه ورزی و پذیرش مسئولیت در یادگیری فراهم می کند. در این شرایط، دانش آموز نه از روی اجبار، بلکه با انگیزه درونی و علاقه شخصی در فعالیت های آموزشی مشارکت می کند و یادگیری را به تجربه ای لذت بخش و معنادار تبدیل می سازد.



انگیزش تحصیلی، یکی از مهم ترین عوامل موفقیت آموزشی است که تحت تأثیر شیوه تعامل معلم با دانش آموز قرار دارد. تشویق هدفمند، بازخوردهای سازنده، قدردانی از تلاش دانش آموز، فرصت دادن برای اظهار نظر، احترام به دیدگاه های متفاوت و ایجاد فضایی عاری از ترس و تحقیر، از جمله عواملی هستند که انگیزه درونی را تقویت می کنند. در مقابل، بی توجهی، تبعیض، سرزنش مداوم یا ارتباط سرد و غیرصمیمی می تواند موجب کاهش اعتماد به نفس، افت انگیزه، انفعال در کلاس و حتی ترک تدریجی علاقه به یادگیری شود. از سوی دیگر، مشارکت فعال دانش آموزان یکی از شاخص های مهم آموزش اثربخش است. دانش آموزی که در بحث های کلاسی، فعالیت های گروهی، حل مسئله، پروژه های پژوهشی و تصمیم گیری های آموزشی حضور فعال دارد، علاوه بر یادگیری عمیق تر، مهارت هایی همچون تفکر انتقادی، خلاقیت، همکاری، مسئولیت پذیری، مهارت های ارتباطی و خودمدیریتی را نیز کسب می کند. ایجاد چنین مشارکتی، بدون برقراری ارتباطی مثبت و اثربخش میان معلم و دانش آموز امکان پذیر نیست.

در دنیای امروز که آموزش به سمت یادگیری فعال، شخصی سازی شده و بهره گیری از فناوری های نوین و هوش مصنوعی حرکت می کند، نقش معلم نیز از انتقال دهنده اطلاعات به طراح تجربه های یادگیری و هدایت کننده فرایند رشد دانش آموزان تغییر یافته است. در این رویکرد، کیفیت ارتباط انسانی میان معلم و دانش آموز بیش از گذشته اهمیت پیدا می کند؛ زیرا فناوری هرچند می تواند یادگیری را تسهیل کند، اما نمی تواند جایگزین حمایت عاطفی، انگیزه بخشی، همدلی و تعامل انسانی معلم شود.

در نهایت، می توان گفت که ارتباط مؤثر معلم و دانش آموز، زیربنای ایجاد مدرسه ای پویا، یادگیرنده و انسان محور است. سرمایه گذاری بر توسعه مهارت های ارتباطی معلمان، تقویت فرهنگ گفت و گو، افزایش مشارکت دانش آموزان در تصمیم های آموزشی و ایجاد محیطی سرشار از اعتماد و احترام، می تواند به ارتقای کیفیت آموزش، افزایش انگیزش، کاهش مشکلات رفتاری و پرورش نسلی خلاق، مسئولیت پذیر، توانمند و آماده برای مواجهه با چالش های آینده منجر شود.

در این زمینه، جو روانی-اجتماعی کلاس نیز نقش مهمی ایفا می کند. جو کلاس به مجموعه ای از تعاملات، نگرش ها و روابط میان اعضای کلاس اشاره دارد که می تواند بر رفتار و عملکرد تحصیلی دانش آموزان تأثیر بگذارد. اگر معلم بتواند با استفاده از مهارت های ارتباطی مناسب، فضایی مبتنی بر اعتماد، احترام و همکاری ایجاد کند، دانش آموزان احساس امنیت روانی بیشتری خواهند داشت و با انگیزه بیشتری در فعالیت های آموزشی مشارکت خواهند کرد. حسین چاری و خیر (۱۳۹۲) بیان می کنند که جو مثبت کلاس درس از



طریق تعاملات سالم میان معلم و دانش‌آموزان شکل می‌گیرد و این امر می‌تواند به افزایش انگیزش تحصیلی و مشارکت فعال دانش‌آموزان در یادگیری منجر شود. علاوه بر این، ویژگی‌های شخصیتی و ارتباطی معلمان نیز نقش مهمی در ایجاد انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان دارد. معلمان اثربخش علاوه بر تسلط علمی، از مهارت‌هایی مانند گوش دادن فعال، همدلی، احترام به دیدگاه‌های دانش‌آموزان و ارائه بازخورد سازنده برخوردارند. چنین ویژگی‌هایی باعث می‌شود دانش‌آموزان احساس کنند که در فرایند یادگیری مورد توجه قرار گرفته‌اند و نقش فعالی در کلاس دارند. شریفی‌نیا و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه خود درباره ویژگی‌های استاد خوب به این نتیجه رسیدند که توانایی برقراری ارتباط مؤثر با دانشجویان و ایجاد فضای تعاملی از مهم‌ترین شاخص‌های معلمان موفق به شمار می‌رود. از سوی دیگر، ادراک معلمان از مفهوم ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان نیز نشان می‌دهد که این ارتباط شامل مجموعه‌ای از رفتارهای ارتباطی مانند احترام متقابل، توجه به تفاوت‌های فردی، ایجاد فرصت برای بیان دیدگاه‌ها و حمایت عاطفی از دانش‌آموزان است. این عوامل موجب می‌شود دانش‌آموزان احساس تعلق بیشتری به کلاس درس داشته باشند و با انگیزه بیشتری در فعالیت‌های آموزشی مشارکت کنند (لاری و همکاران، ۱۳۹۸). در سال‌های اخیر، توجه به روش‌های نوین آموزشی نیز اهمیت تعامل میان معلم و دانش‌آموزان را بیش از پیش برجسته کرده است. یکی از این رویکردها، یادگیری مبتنی بر مسئله است که در آن دانش‌آموزان به‌طور فعال در فرایند حل مسائل آموزشی مشارکت می‌کنند. در این رویکرد، نقش معلم از انتقال‌دهنده دانش به تسهیل‌گر یادگیری تغییر می‌یابد و ارتباط مؤثر میان معلم و دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های اصلی موفقیت این روش مطرح می‌شود. جان‌آبادی و جان‌آبادی (۱۴۰۲) معتقدند که تعامل سازنده میان معلم و دانش‌آموزان در آموزش مبتنی بر مسئله می‌تواند به افزایش انگیزه یادگیری، تقویت تفکر انتقادی و مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرایند یادگیری منجر شود.

همچنین نادری‌نیاریک و همکاران (۱۴۰۰) تأکید می‌کنند که در رویکرد یادگیری مسئله‌محور، ارتباط مؤثر معلم با دانش‌آموزان نقش کلیدی در هدایت فعالیت‌های یادگیری دارد. معلم با طرح پرسش‌های مناسب، هدایت بحث‌های کلاسی و ایجاد فضای گفت‌وگو می‌تواند دانش‌آموزان را به تفکر عمیق‌تر و مشارکت بیشتر در فعالیت‌های آموزشی ترغیب کند. پژوهش‌های دیگری نیز نشان داده‌اند که استفاده از روش‌های فعال یادگیری در صورتی می‌تواند به افزایش انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان منجر شود که معلم بتواند تعامل مؤثری با دانش‌آموزان برقرار کند. می‌آبادی (۱۴۰۱) بیان می‌کند که یادگیری مبتنی بر حل مسئله باعث می‌شود دانش‌آموزان به‌طور فعال در فرایند یادگیری درگیر شوند و این امر علاقه آنان به یادگیری را افزایش می‌دهد. همچنین جوکار و همکاران (۱۴۰۲)



نشان می‌دهند که این روش‌ها می‌توانند مهارت‌های تحلیل، تفکر انتقادی و همکاری دانش‌آموزان را تقویت کنند. با این حال، اجرای موفق روش‌های نوین آموزشی نیازمند برخورداری معلمان از مهارت‌های ارتباطی مناسب است. در صورتی که معلم نتواند فضای تعامل و گفت‌وگو را به‌درستی مدیریت کند، ممکن است دانش‌آموزان در فعالیت‌های آموزشی مشارکت فعال نداشته باشند. شرقی مقوسانی و همکاران (۱۴۰۰) یکی از چالش‌های مهم در اجرای یادگیری مبتنی بر مسئله را ضعف در مهارت‌های ارتباطی و مدیریتی برخی معلمان می‌دانند. همچنین شیری‌آذر و همکاران (۱۴۰۰) تأکید می‌کنند که موفقیت این رویکردها تا حد زیادی به توانایی معلم در ایجاد تعامل مؤثر و تشویق دانش‌آموزان به مشارکت وابسته است.

نتیجه‌گیری

بررسی منابع نشان می‌دهد که کیفیت ارتباط کلامی معلمان یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل در شکل‌گیری مشارکت فعال و یادگیری اثربخش دانش‌آموزان است. معلمی که بتواند با زبانی روشن، محترمانه، حمایت‌گر و انگیزاننده با دانش‌آموزان ارتباط برقرار کند، در واقع زمینه را برای حضور فعال آنان در کلاس، طرح پرسش، تبادل نظر و درگیری عمیق با محتوای آموزشی فراهم می‌سازد. از این منظر، کلام معلم فقط ابزاری برای انتقال دانش نیست، بلکه سازوکاری برای ساختن رابطه‌ای آموزشی، انسانی و یادگیرنده‌محور است. یافته‌های پژوهش لاری و همکاران (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که ارتباط مؤثر از دید معلمان، هسته اصلی آموزش موفق به شمار می‌آید و بدون آن، بسیاری از اهداف آموزشی تحقق نخواهد یافت. همچنین، اقدسی و همکاران (۱۳۹۲) نشان داده‌اند که کیفیت تعامل معلم و دانش‌آموز در مدارس موفق، نقشی اساسی در بهبود عملکرد آموزشی دارد و این موضوع نشان‌دهنده اهمیت زبان و رفتار ارتباطی معلم در کلاس است. در این میان، جو روانی-اجتماعی مثبت کلاس که حسین‌چاری و خیر (۱۳۹۲) بر آن تأکید دارند، نتیجه مستقیم همین ارتباط کلامی سازنده است. هرگاه دانش‌آموز احساس کند که در کلاس شنیده می‌شود، مورد احترام قرار دارد و می‌تواند بدون ترس از قضاوت یا تحقیر نظر خود را بیان کند، مشارکت او افزایش می‌یابد و فرایند یادگیری عمیق‌تر می‌شود. از سوی دیگر، در رویکردهای فعال مانند یادگیری مبتنی بر مسئله، این نقش حتی پررنگ‌تر است. جان‌آبادی و جان‌آبادی (۱۴۰۲)، می‌آبادی (۱۴۰۱)،



نادری نیاریک و همکاران (۱۴۰۰) و شرقی مقوسانی و همکاران (۱۴۰۰) همگی بر این نکته تأکید دارند که موفقیت در آموزش مسئله محور، به توانایی معلم در مدیریت گفت و گو، هدایت بحث و ایجاد مشارکت وابسته است. در واقع، بدون ارتباط کلامی مؤثر، یادگیری مسئله محور نمی تواند به اهداف خود برسد. همچنین، صفایی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) با تأکید بر اصول اخلاق اسلامی نشان داده اند که ارتباط معلم با دانش آموز باید بر پایه کرامت انسانی باشد، زیرا احترام و اخلاق در گفتار، زیربنای اعتماد و یادگیری پایدار است. در همین راستا، شریفی نیا و همکاران (۱۳۹۱) نیز اهمیت ویژگی های ارتباطی معلم را در تعریف «استاد خوب» برجسته کرده اند. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که کیفیت ارتباط کلامی معلم، پیونددهنده آموزش، انگیزش و مشارکت است و هرچه این ارتباط آگاهانه تر، انسانی تر و تعاملی تر باشد، احتمال تحقق یادگیری اثربخش و پایدار بیشتر خواهد بود. بنابراین، توجه به مهارت های ارتباط کلامی معلمان باید در برنامه های تربیت معلم، ارزیابی آموزشی و سیاست گذاری های آموزشی جایگاه ویژه ای داشته باشد؛ زیرا ارتقای کیفیت آموزش، بدون ارتقای کیفیت ارتباط، امکان پذیر نیست.

منابع

۱. اقدسی، سمانه؛ کیامنش، علیرضا؛ مهدوی هزاروه، منصوره؛ صفرخانی، مریم. (۱۳۹۲). تعامل معلم-دانش آموز در کلاس درس مدارس موفق و ناموفق.
۲. جان آبادی، فاطمه؛ جان آبادی، فهیمه. (۱۴۰۲). تحلیل مزایای تعامل معلم و دانش آموزان در رویکرد آموزش مبتنی بر مسئله. فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش، پاییز.
۳. جوکار، فاطمه؛ افسری، آناهیتا؛ یعقوبیان، نگین؛ عبدلی، عارفه. (۱۴۰۲). بررسی یادگیری مسئله محور در آموزش تاریخ دوره متوسطه دوم. پانزدهمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.
۴. حسین چاری، مسعود؛ خیر، محمد. (۱۳۹۲). بررسی جو روانی اجتماعی کلاس به عنوان یکی از مؤلفه های فرهنگ مدرسه. دانشگاه شهید چمران اهواز.
۵. شریفی نیا، سید حمید؛ عبادی، عباس؛ حکمت افشار، میترا. (۱۳۹۱). ویژگی های استاد خوب: مطالعه کیفی.



۶. شرقی مقوسانی، منیر؛ نرماشیری، جمیله؛ نرماشیری، سهیلا؛ ملک زاده، محمدحسین. (۱۴۰۰) چالش ها و مشکلات یادگیری مسئله محور در مدارس. اولین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت، بندرعباس.
۷. شیرآذر، زهرا؛ پیغان، سوره؛ پارسای احمدی، فاطمه؛ ملک زاده ساری یاریقان، نسرين؛ میرزائزاد، رحمان. (۱۴۰۰). مزایا و معایب روش یادگیری مبتنی بر حل مسئله. سومین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در تعلیم و تربیت، روان شناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان.
۸. صفایی مقدم، مسعود؛ رحمانی، بهاء الدین؛ پاک سرشت، محمدجعفر؛ مرعشی، سید منصور. (۱۳۹۵). مبانی و اصول اخلاق اسلامی: ارتباط معلم با دانش آموزان. مجله پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، بهار و تابستان.
۹. لاری، نرجس؛ حجازی، الهه؛ اژهای، جواد؛ جوکار، بهرام. (۱۳۹۸). ادراک معلمان از ارتباط مؤثر معلم-دانش آموز: تحلیل پدیدارشناسی. فصلنامه نوآوری های آموزشی (نشریه علمی-پژوهشی)، خرداد.
۱۰. می آبادی، صبا. (۱۴۰۱). نقش و جایگاه یادگیری مبتنی بر حل مسئله در افزایش یادگیری دانش آموزان دوره متوسطه. دومین همایش ملی ایده های کاربردی در علوم تربیتی، روان شناسی و مطالعات فرهنگی، بوشهر.
۱۱. نادری نیاریک، جواد؛ پناهنده، فائزه؛ دیانسائی، شکوفه؛ طوماری، نساء. (۱۴۰۰). واکاوی یادگیری مسئله محور در نظام تعلیم و تربیت: اهداف و روندها. اولین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت، بندرعباس.